

پیش از آغاز

حمد و سپاس خدایی را سزااست که آغاز و انجام، و پیدا و پنهان هستی است: «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ»^۱؛ هستی محض است؛ با همه اشیاء و اشخاص هست: «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ»^۲؛ و به هر سو که بنگرید، وجه او را می‌یابید: «أَيْنَمَا تُولُوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ»^۳. ستایش و ثنا پروردگاری را رواست که هر چیزی جز او سراب باطل است؛ معبودی که جز وجه او همه وجوه فانی و هالک خوانده شده‌اند: «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ»^۴.

تحیت و سلام بر انبیاء و اولیای الهی، خاصه حضرت خاتم‌الانبیاء و عترت طاهرین وی که مظاهر اسم اعظم و مصادیق مرتبه کمال انسانی‌اند؛ پیام‌آوران ایمان، و منادیان عمل صالح که خدای را به حقیقت ایمان مشاهده کرده و تنها در پیشگاه وی زانوی عبودیت بر زمین زده‌اند.

پیدایش انسان کامل، غایت و منتهای «حرکت حبّی» ذات مقدس حق است؛

۱. سوره حدید، آیه ۳.

۲. سوره حدید، آیه ۴.

۳. سوره بقره، آیه ۱۱۵.

۴. سوره قصص، آیه ۸۸.

چراکه انسان کامل «حبیب» اوست و رسالت «حبیب الله»، راه نمایی انسان برای رسیدن به «محبت»^۱، از این رو مزد رسالت «حبیب الله» نیز محبت اهل بیت او قرار گرفت: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا»^۲ و جالب آنکه «محبت» که اجر و مزد رسالت خوانده شده است، منفعت «محبان» را تضمین می‌کند و برای «محبوب» سودی ندارد: «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»^۳.

نا گفته پیداست که محبت اصیل چون دیگر حقایق مختص ذات مقدس حق است و دوستی و حبّ مظاهر تامّ او، در حقیقت نزدیک‌ترین راه برای نیل به آن محبوب بالذات است و البته دوستی و محبت انسان‌های کامل و مظاهر تامّ، یعنی اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) نیز به اشاره و راه نمایی همان محبوب بالاصالة است.^۴

به این ترتیب «محبت» صراط مستقیم و راه روشن رسیدن به مراتب کمالی است و طُرفه آنکه راه نیل به «محبت»، معرفت و شناخت است و البته بهترین راه وصول به معرفت، رؤیت جلال و جمال، و استشمام رایحه دلپذیر، و استماع نوای روح‌نواز محبوب در مشهد حضور اوست و روشن است که این همه، در طریقت صعب و مستصعب «عرفان» نهفته است، چراکه نیل به شهد غسل، تحمّل نیش زنبور می‌خواهد:

فَمَنْ لَمْ يَمْتَ فِي حَبِّهِ لَمْ يَعْشِ بِهِ

و دُونَ اجْتِنَاءِ النَّحْلِ مَا جَنَّتِ النَّحْلُ^۵

۱. «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (سوره آل عمران، آیه ۳۱).

۲. سوره شوری، آیه ۲۳.

۳. سوره سبا، آیه ۴۷.

۴. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: عین نضاح، ج ۱، ص ۱۵ - ۲۳.

۵. دیوان ابن فارض، ص ۱۶۲.

به این بیان علت شرافت و برتری دانش عرفان بر سایر علوم از نگاهی دیگر - گرچه ذوقی - تثبیت می‌شود؛ لیکن روشن است که سرّ برتری و شرافت این دانش، در علوّ مسائل و رتبه بلند مباحث آن نهفته است، چراکه عرفان تنها دانشی است که موضوع، مسائل و مباحث فرعی آن، جملگی «توحید» حضرت حق (تعالی شأنه) و اسماء و صفات جلالی و جمالی آن است. راز اعتلای عرفان را باید در این نکته اصیل جست که در این دانش، موضوع که همانا توحید حق است، نه به صورت مفهومی، که در جامه حضور و شهود، عارف موحد را در بر می‌گیرد.

از این رو، جامه الفاظ، اگرچه در گستره‌ای فراخ، به وسعت فاصله میان آسمان و زمین، قامت بلند آن را نمی‌پوشاند، و شاه‌بال مفاهیم، رفعت و بلندای قله آن را در نمی‌یابد و تنها بر نشستن بر شریعه شهود و مشاهده جمال و جلال حق در آینه اسماء و صفات و مظاهر تام و تمام او جان‌شیدای عارف شوریده حال را تسکین می‌بخشد.

با این همه گرچه آب دریا را نمی‌توان کشید، باید به قدر تشنگی آن را چشید و البته چنان‌که بسیاری گفته‌اند: «وصف العیش، نصف العیش»، و به این معنی اگر حضور بر پنجره رؤیت برای ما ساکنان مرتبه عادت مقلود نیست، لیکن وصف جلال و جمال یار از زبان دلدادگان کوی و داد، بر زخم‌های درون مرهم می‌نهد:

هزار عقل ببندی به هم بدو نرسد

کجا رسد به مه چرخ دست یا پای

فلک به طمع گلو را دراز کرد بدو

نیافت بوسه، ولیکن چشید حلوایی^۱

«تحریر توحید» که شرح مقدمه داود بن محمود قیصری بر فصوص‌الحکم شیخ

اکبر محی‌الدین ابن عربی است، در پی آن است که این پرده‌نشین عالم الفاظ را در جامه‌ای نو، در مرئی و منظر دلدادگان حقیقت هستی درآورد. پویندگان این طریقت به درستی می‌دانند که «مصنف علامه» این مقدمه، با بهره‌گیری از تبخّر خیره‌کننده خود در حکمت، یافته‌های شهودی خود را در گستره‌ای از اندیشه‌های حکمی و فلسفی پیچیده و بر مبنای استدلالی و برهانی استوار ساخته است، و این مسئله البته صعوبت فهم اندیشه‌های شهودی را با دشواری بیشتر مواجه ساخته است. از این رو شرح و تفصیل و گشایش گره‌های موجود در این متن، همواره موضع همت اندیشمندان الهی و اساتید این فن بوده است. اساطین بزرگ معرفت هر یک در دوره‌های خاص، تدریس این کتاب باشکوه را بر عهده می‌گرفته و با شروح، حواشی و تعینات خود، پرده از چهره دلربای آن می‌ربودند و گاه نیز دامن همت بلند داشته، شرحی مبسوط بر آن می‌نگاشتند؛ لیکن گذر زمان همواره زبان تفسیر و تبیین را گویاتر و تجربه‌های علمی، راه را برای برداشتن تعقیدات و موانع موجود در مسیر فهم بهتر مسائل، هموارتر می‌کند.

به این بیان «تحریر توحید» کوششی دیگرپاره برای شرح و تفسیر مقدمه داود بن محمود قیصری بر فصوص‌الحکم یا به تعبیر خود وی «مطلع خصوص الکلم فی معانی فصوص‌الحکم» است که با ارج نهادن به تلاش گذشتگان و بهره‌گیری از همت بلند آنان، جلوه‌ای تازه از این کتاب سترگ را پیش روی پویندگان حقیقت می‌آورد.

در این مقدمه وجیز بیان این نکته اهمیت بسیار دارد که آنچه اکنون در صورت «تحریر توحید» جامه کتاب بر تن کرده است، نگارش، تحقیق و تنظیم درس‌های استاد معظم، یادگار گران‌قدر امام عظیم الشان حضرت حجت الاسلام و المسلمین سید حسن خمینی است که در مدت کمتر از چهار سال لباس کلمات بر تن کرده و بر سینه سپید کاغذ نقش بسته است. در حقیقت استاد معظم دروس مقدمه قیصری بر

فصوص‌الحکم را در نوزدهم آذر ماه سال ۱۳۹۱ آغاز کردند و در مدت زمانی بیشتر از یک سال، در تاریخ هفدهم اسفند ماه سال ۱۳۹۲ آن را به پایان رساندند؛ نگارنده این سطور نیز همراه با تدریس استاد، کار نگارش کتاب را آغاز کرد؛ ارائه دقیق و تا حد امکان بی کم و کاست مطالب مطرح شده در درس، شرح مزجی متن قیصری و اعاده ضمائر به مراجع، و نیز ترجمه مطلوب متن، البته کار نگارش کتاب را به درازا برد. افزون بر اینکه متن آماده شده، به استاد عودت داده شد و ایشان نیز با نگاه نکته بین و دقیق خود آن را مطالعه کرده و نکات فنی مربوط به مباحث و نقاط ضعف موجود را نمایان می‌ساختند و نگارنده نیز پس از بازبینی دوباره و رفع کاستی‌ها و نقاط ضعف، برای تأیید نهایی به ملاحظه ایشان می‌رساند.

نکته قابل توجه این‌که مقدمه محقق قیصری بر فصوص‌الحکم به اذعان بسیاری محققان، در زمره بهترین کتاب‌های عرفان نظری برای آموزش طالبان اندیشه عرفانی است؛ مع‌الأسف شروح موجود بر این کتاب و نیز ترجمه‌هایی که از متن آن ارائه شده، به بهره‌گیری از این کتاب ارجمند، یاری چندانی نمی‌رساند. افزون بر آنکه شرح و ترجمه متن، تاکنون در یک کتاب جمع نیامده بود. از این رو نگارنده سطور با راهنمایی استاد کوشیده است، افزون بر شرح روشن و روان استاد، ترجمه‌ای مطلوب و تا حد توان بی‌نقص از آن ارائه کند.

متن کتاب نیز محصول مقایسه و مقابله سه نسخه است: نسخه‌ای که در اختیار خود استاد بوده و به تصحیح «محمد حسن الساعدی» رسیده است، نسخه مصحح مرحوم آیت‌الله سید جلال‌الدین آشتیانی و نسخه مصحح استاد علامه آیت‌الله حسن زاده آملی که البته نسخه مرحوم آیت‌الله آشتیانی نسخه محور بوده است.

«تحریر توحید» افزون بر آنچه گذشت، تعلیقات ارزشمند امام خمینی (قدس سره)، آقا محمد رضا قمشه‌ای و برخی بزرگان دیگر چون مرحوم میرزا غلامعلی

شیرازی را نیز در خود جای داده است. این تعلیقات البته به دو صورت در کتاب درج شده است؛ بخشی از این تعلیقات در زمره مباحث کتاب جای گرفته است؛ به این معنا که استاد معظم در طی تبیین و توضیح مباحث کتاب، این تعلیقات را مطرح می‌کرده و با تکیه بر آن، مباحث خود را ارائه می‌کردند. بدیهی است که این بخش از تعلیقات در بخش توضیح، ذیل هر فراز آمده است. بخش دیگری از این تعلیقات نیز فراخور مباحث مطرح شده در توضیحات استاد، در پاورقی جای گرفته است.

تذکر این نکته لازم است که نگارنده همه تعلیقات و حواشی امام خمینی (قدس سره) بر مقدمه قیصری را در این کتاب آورده است؛ لیکن در نگارش حواشی دیگر اساتید به صورت گزینشی عمل کرده است. البته در مواردی اندک هم، مباحث مطروحه استاد به شرح و بسط بیشتر نیاز داشته که این قلم با همه نارسایی، سعی در تبیین آن در پاورقی کتاب کرده است.

«تحریر توحید» بر سیاق مقدمه محقق قیصری، بر دوازده فصل سامان یافته است؛ لیکن پیش از شروع مباحث اصلی و فصول دوازده‌گانه، پیشگفتاری در سه فصل با عناوین «نگاهی گذرا به تحولات تاریخی عرفان نظری»، «تأملی در فصوص‌الحکم و شروح آن» و «عرفان نظری از نگاه محقق قیصری» در آن گنجانده شده است.

نکته‌ای که در این میان نباید به غفلت سپرده شود این است که آنچه اکنون در قامت «تحریر توحید» مقدمه گران‌سنگ محقق قیصری بر فصوص‌الحکم را به شرح نشسته است، تنها بخشی از توانایی‌های علمی استاد بزرگوار ما در تبیین و تشریح مباحث فلسفی و عرفانی است که راقم سطور تمام توان خود را به کار گرفته، تا آن را به رشته تحریر درآورد و از این رو محاسن و برجستگی‌های آن جملگی از آن استاد است و البته همه ضعف‌ها و کاستی‌های آن به راقم این سطور و بضاعت اندک وی ارتباط می‌یابد.

در پایان این وجیز، ضمن سپاس و ستایش حضرت حق (تعالی شأنه) به اعطای توفیق در نگارش این کتاب، و حضور در ساحت لفظی توحید، بار دیگر از حسن اعتماد و توجه بی حدّ استاد گرانقدر جناب حجت الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی و یاری و راهنمایی و حوصله بی‌بدیل ایشان در بذل فرصت علمی و عملی، نهایت امتنان و قدردانی را دارم. همچنین در این مقام از همه کسانی که در طول زمان نسبتاً طولانی نگارش این کتاب با راهنمایی‌های خود دست یاری نگارنده را به گرمی فشردند، به خصوص برادر بزرگوارم جناب حجت الاسلام والمسلمین علی فضلی سپاسگزاری می‌کنم. نیز از همسر گرامی‌ام که بخش عمده حروفنگاری، نمونه‌خوانی و تصحیح کتاب را بر عهده گرفته و بخش معظمی از کارهای عملی کتاب را به انجام رسانده‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنم و امید دارم که این کتاب، با نگاه پر مهر اهل معرفت، پویایی و بالندگی بیشتر طالبان اندیشه عرفانی، به خصوص نوآموزان را موجب شود.

سلام و صلوات خدا و پیامبر گرامی و اولیای معصوم او (علیهم‌السلام) بر روح بلند و ملکوتی همه عالمان ربانی و اندیشمندان الهی که پیمودن این راه، بدون بهره‌گیری از تلاش‌های ایشان ممکن نبود؛ به خصوص متألّهانی که در این کتاب نامی از ایشان به میان آمد و خاصه امام عظیم الشان که در زمره احیایگران این سنت علمی و عملی جای دارد.

آخِرُ دَعْوَانَا أَنَّ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

سید محمود صادقی

قم - بیست و هشتم ذی الحجة الحرام ۱۴۳۶

بیستم مهرماه ۱۳۹۴